صنعت دفاعی و رشد تولید در اقتصاد ایران



منصور عسگری
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

رشد اقتصادی عبارت است از افزایش ظرفیت یک اقتصاد برای تولید کالاها و خدمات؛ بنابراین رشد اقتصادی هر کشور نشان می‌دهد آن کشور، تا چه اندازه در حال افزایش و بهبود کالاها و خدماتی است که تولید می‌کند. رشد اقتصادی نقش مهمی در ورود کشورها به چرخه حل مشکلات، ایجاد فرصت‌ها و ارتقاء استانداردهای زندگی دارد و در واقع مسیر توسعه اقتصادی، در کشورها بر محور رشد اقتصادی تعریف می‌شود. یکی از بزرگترین تأثیرات رشد طولانی مدت یک کشور این است که تأثیر مثبتی بر درآمد ملی و سطح اشتغال دارد که باعث افزایش سطح زندگی می‌شود. بنابراین، این موضوع که با رشد تولید همراه است، منجر به اشتغال بیشتر افراد می‌شود و این امر باعث افزایش ثروت کشور می‌گردد. با وجود اهمیت رشد اقتصادی، کشور ما طی حداقل یک دهه گذشته دچار تله رشد پایین شده است. به‌طور مشخص، متوسط رشد اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ به ۰/۷ درصد رسیده است که نسبت به رشد متوسط حدود ۴/۴ درصدی در دهه ۱۳۸۰ به وضوح کاهش یافته است (مرکز آمار ایران). بررسی وضعیت رشد اقتصادی ایران طی دهه ۱۳۹۰ و مقایسه آن با دهه‌های قبل نشان می‌دهد که تداوم وضعیت فعلی تبعات مناسبی برای کشور ندارد، از این رو می‌توان دهه ۱۳۹۰ را دهه رکود اقتصاد ایران نامید. با تداوم این وضعیت، درآمد سرانه به‌عنوان شاخص رفاه کشور نیز کاهش یافته است که اثرات آن در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند برای کشور بسیار نامطلوب باشد.

ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی مخارج نظامی یک حوزه جالب و مطلوب تحقیقاتی است. اهداف نهایی کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و رونق در بلندمدت است که با وجود حجم قابل توجهی از ادبیات در مورد پیامدهای اقتصادی هزینه‌های نظامی، هیچ اتفاق نظری در این خصوص که آیا هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی موثر است یا خیر وجود ندارد. رشد هزینه‌های نظامی بر اساس رویکرد کینزی جزء مصارف دولت است که موجب تحریک اقتصاد و افزایش تولید ناخالص داخلی می‌گردد. رشد یا افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، هزینه‌های نظامی، رشد اقتصادی را از طریق کانال‌های زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهد. وقتی تقاضای کل نسبت به عرضه احتمالی کمتر است، هزینه‌های نظامی افزایش می‌یابد تمایل به افزایش استفاده از ظرفیت، افزایش سود و در نتیجه، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید کل از چنین دستاوردی پشتیبانی می‌کند. مطالعات بین‌المللی به وضوح نشان می‌دهند که مخارج نظامی دارای اثرات مثبتی بر استفاده موثر از سرمایه، نیروی کار و رشد اقتصادی است.

از نیمه دوم قرن بیستم نظریات مکتب نئوکلاسیک‌ها ودر رأس آن‌ها «رابرت سولو» (۱۹۵۶) در خصوص عامل اساسی رشد اقتصادی درجهان و کشورهای مختلف به کارگرفته می‌شود. فرض‌های اساسی آن عبارت از وجود رقابت کامل، پرداخت به عوامل تولید براساس بازده نهایی، بازده نزولی و یا ثابت در تابع تولید و اشتغال کامل است. از نیمه دوم دهه۱۹۸۰ میلادی، به دلیل ناکارآمد بودن دیدگاه‌های این مکتب برای توجیه گوناگونی‌های رشد در کشورهای مختلف، نظریه جدیدی با نام نظریه «رشد درونزا» و یا «نظریه رشد نوین» درعرصه ادبیات اقتصادی وارد گردید. این نظریه نرخ رشد تولید ناخالص ملی را به وسیله نظام‌هایی از درون سیستم و فرایند تولید تعیین می‌کند و تکنولوژی را امری درون‌زا می‌داند که توسط متغیرهایی مانند تصمیمات انسانی، سرمایه انسانی وحمایت‌های دولتی، ترقی می‌یابد. در نظریه رشد درونزا، پیشرفت فنی به معنی بهبود در بهره‌وری، به ابداعات، ممارست، تنوع تولید، سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها، تحقیق و توسعه تعبیر می‌شود. اخیراً نیز با ترکیب جنبه‌هایی از هر دو مدل بیان شده در فوق، مدل جدیدی را برای بررسی تأثیرات یکی و یا بیشتر از عوامل موثر بر رشد درون‌زا، در کنار عوامل تشکیل دهنده مدل رشد نئوکلاسیک‌ها، به کار می‌برند؛ که به آن «مدل رشد تا حدی درون‌زا» گفته می‌شود. در این مدل فرض رقابت کامل نئوکلاسیک‌ها به رقابت انحصاری که محتمل‌تراست، تغییر می‌یابد. همچنین فرض بازده کاهنده به مقیاس تولید در مدل در نظر گرفته نمی‌شود. مطالعاتی نیز بر این مبنا در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است که درآن تأثیر ابداعات، تحقیق و توسعه، متنوع‌سازی و متغیرهای دیگر را بر درآمدهای صادراتی، رشد اقتصادی، بهره‌وری کل عوامل و. آزمون می‌کنند. متنوع‌سازی نیز یکی از تأکیدهای مدل درونزا است که به‌عنوان عاملی مؤثر بر رشد اقتصادی و بهره‌وری شناخته شده است.

نگرش یک سویه به عوامل رشد اقتصادی نمی‌تواند تضمین کننده رشد بلندمدت و پایداری باشد. اگر هدف یک اقتصاد، بهره‌مندی از تمامی ظرفیت‌های موجود در جامعه برای پیشرفت و ترقی مداوم باشد؛ بایستی از همه الزامات و توانایی‌های خود استفاده کند. در مدل‌های درونزا اعتقاد بر این است که رشد تابعی از عوامل درونی، همچون تحقیق و توسعه، ابداعات، نوآوری، تنوع صادرات، تنوع تولید و... است. این در حالی است که مجموعه شواهد نشان می‌دهد که در ایران نگرش‌های موجود از مدل‌های نئوکلاسیکی تبعیت می‌کند. این نحوه نگرش موجب می‌شود که در برنامه‌ریزی‌ها بسیاری از عوامل که در رشد موثر هستند، در نظر گرفته نشوند. تحقیق‌های اخیر که بر نحوه عملکرد کشورهای جنوب شرق آسیا صورت گرفته است، نشان داده است که، همگی آن‌ها از عامل متنوع‌سازی در تولید، به‌عنوان کلید موفقیت، سود جسته‌اند و همچنین، نشان داده است که مدل‌های نئوکلاسیک در آن کشورها کمتر مصداق داشته است.

حال سوال اساسی در این مقاله این است که آیا می‌توان در قالب مدل‌های درون‌زا توجیهی برای رفتار رشد اقتصادی درکشور ارائه داد؟ آیا می‌توان در خلال این بررسی به این نتیجه رسید که هزینه‌های نظامی به‌عنوان عاملی اساسی در نظریات رشد نوین، در اقتصاد ایران تأثیری مثبت و مؤثر داشته است. در ایران تاکنون کمتر تحقیقی جامع که در برگیرنده تاثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی باشد صورت نگرفته است.

جدول ۱. عملکرد رشد اقتصادی طی دوره‌های مختلف

دوره زمانی	مشخصه دوره	متوسط	ضریب تغییرات
۱۳۵۷-۱۳۶۷	دوران انقلاب و جنگ تحمیلی	-۴/۸	-۳/۳
۱۳۶۸-۱۴۰۱	دوران پس از جنگ تحمیلی	۵/۴	۱/۵
۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه اول توسعه	۷/۳	۰/۶
۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه دوم توسعه	۱/۱	۰/۴
۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه سوم توسعه	۵/۰	۰/۶
۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه چهارم توسعه	۴/۰	۱/۰
۱۳۹۰-۱۳۹۴	برنامه پنجم توسعه	-۰/۹	-۵/۳
۱۳۹۶-۱۴۰۰	برنامه ششم توسعه	۰/۷	۷/۳

ماخذ: محاسبات بر اساس آمار حساب‌های ملی مرکز آمار ایران

در جدول (۱) دوران ۴۴ ساله مورد بررسی، به دوره‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است و دوران پس از جنگ نیز بر حسب برنامه‌های توسعه از هم تفکیک شده است. بررسی کلی این وضعیت نشان می‌دهد که عملکرد رشد اقتصادی از نظر متوسط رشد و نیز ثبات آن در دوران برنامه اول توسعه و برنامه سوم توسعه اقتصادی از سایر دوره‌ها بهتر بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ادبیات اقتصاد دفاعی دارای مطالعات متنوعی در مورد اثرات هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی است ولی با این وجود، هیچ نتیجه‌گیری قطعی در خصوص اثرات مثبت یا منفی این هزینه‌ها بر رشد اقتصادی وجود ندارد. وجود ندارد. در این مقاله اثرات مخارج نظامی بر رشد اقتصادی در طی دوره ۲۰۲۳-۱۹۹۰ با استفاده از برآوردگر حداقل مربعات پویا مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در اقتصاد ایران مخارج نظامی از رشد اقتصادی حمایت می‌کند و دارای اثر مثبتی بر آن است در واقع رویکرد مصرف در اقتصاد کینزی را تایید می‌کند.

در واقع می‌توان گفت در شرایط فعلی وضعیت جهانی از قبیل جنگ روسیه و اوکراین و جنگ در نوار غزه و جنوب لبنان، افزایش مخارج نظامی علاوه بر اثرات مثبت آن بر رشد اقتصادی از دید سایر موارد نظامی و امنیتی نیز توصیه می‌گردد. امروزه در جهان شاهد تشکیل ائتلاف‌های نظامی بیشتری هستیم که این موضوع نود مدعایی برای افزایش مخارج نظامی است، در اقتصاد ایران، این افزایش می‌تواند منجر به تحریک اقتصادی شده و از طریق ضرایب فزآینده اقتصاد کینزی درآمد و رشد اقتصادی را افزایش دهد.

از سوی دیگر، اثرات منفی افزایش مخارج نظامی بر رشد اقتصادی و سرمایه در معدود مطالعاتی که برای کشورهای توسعه یافته انجام شده پذیرفته شده است که آن هم احتمالا به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در این اقتصادها اتفاق می‌افتد. لازم به ذکر است که چنین نتیجه‌گیری برای سیاستگذاران در کشور ایران بسیار حائز اهمیت است که آنان از این منظر، ناکارآمدی بودجه‌های نظامی را تحت فشار قرار ندهند.

در واقع، دلایلی که چرا پیوند مبهم بین هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی وجود دارد، احتمالاً به دلیل انتخاب‌های متفاوت در برنامه‌های دفاعی و رشد اقتصادی کشورها است.

یکی از آثار مخارج نظامی ایجاد امنیت در داخل و خارج از کشور است و که این امر ممکن است به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش ثبات و رشد اقتصادی شود به‌عبارت دیگر، هرگاه دولتی بتواند تجهیزات نظامی خود تولید و حتی به کشورهای دیگر صادر نماید و از خروج ارز جلوگیری نماید و درآمد ارزی نیز داشته باشد از طریق اثر مثبت بر تراز پرداخت‌ها رشد اقتصادی نیز داشته باشد.

یکی دیگر از اثرات افزایش مخارج نظامی، ایجاد امنیت در داخل کشور و اثرات مثبت آن بر ثبات داخلی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است که این آثار می‌تواند به افزایش اشتغال، افزایش تولید، افزایش درآمد ملی و نهایتاً رشد اقتصادی منجر گردد.

لازم به ذکر است که در صورت افزایش غیرمتعارف و خارج از توان اقتصادی مخارج نظامی، ممکن است دولت‌ها با محدودیت‌هایی در تامین منابع مو اجه شوند و این امر سرمایه‌گذاری در امور نظامی را دچار مشکل کند که نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی است.

با توجه به نتایج این مقاله می‌توان پیشنهادات و توصیه‌های زیر را ارائه نمود؛

۱. تولید تجهیزات و ادوات نظامی در داخل کشور به جای خرید از خارج ضامن کاهش وابستگی نظامی کشور به سایر قدرت‌های نظامی جهان و همچنین صرفه‌جویی در مصارف ارزی کشور است که می‌تواند باعث ایجاد اشتغال، رونق اقتصادی و افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی شود که ضرورت دارد مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد.

۲. هرچند افزایش مخارج نظامی تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشور دارد و می‌تواند درآمد ملی را افزایش دهد، ولی باید توجه شود افزایش غیرمتعارف این هزینه‌ها، منجر به کاهش منابع برای سایر امور سرمایه‌گذاری در کشور نگردد که توصیه می‌گردد سیاستگذاران با تعامل مثبت و سازنده با سایر کشورها و جذب سرمایه‌های خارجی امکان بروز کمبود سرمایه را به حداقل برسانند.

۳. با عنایت به این‌که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد افزایش مخارج نظامی تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشور داشته است لذا توصیه می‌گردد مخارج دولت در تخصیص‌های که منجر به اشتغال‌زایی و رشد کمتری می‌شود مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

اصطلاحات

- Semi- Endogenous Growth = مدل رشد تا حدی درون‌زا